

ناگفته های سعید روستایی درباره «برادران لیلا»

گفت و گو با سعید روستایی کارگردان فیلم سینمایی «برادران لیلا» را بخوانید.

به گزارش سایت خبری پرسون، کارگردان فیلم «برادران لیلا» ضمن اشاره به این که داستان شخصیت‌های فیلمش فوق العاده تراژیک هستند گفت: بخشی از این فیلم ادای احترام به فیلم «پدرخوانده» ساخته «فرانسیس فورد کاپولا» است.

همزمان با آغاز اکران عمومی فیلم «برادران لیلا» در فرانسه، سعید روستایی نویسنده و کارگردان این فیلم گفتگویی درباره زوای مختلف این فیلم با نشریه سینمایی «c'est quoi le cinéma» انجام داده است.

«برادران لیلا» به نویسندگی و کارگردانی سعید روستایی نخستین نمایش جهانی خود را در بخش مسابقه جشنواره کن امسال تجربه کرد و در نهایت جایزه بهترین فیلم بخش اصلی این رویداد را از نگاه هیات داوران فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم (فیپرشی) کسب کرد. کمپانی «وایلد بانچ» که حق پخش فیلم «برادران لیلا» را بر عهده دارد، این فیلم دو ساعت و چهل پنج دقیقه‌ای را از ۲۴ آگوست (دوم شهریور) در سینماهای فرانسه اکران می‌کند.

چرا اسم فیلم «لیلا و برادرانش» است (عنوان فیلم به فرانسوی Leila et ses frères است) نه «لیلا و پدرش»؟

سعید روستایی: این فیلم به فارسی «برادران لیلا» نام دارد. پدر در این فیلم بیش از هر چیز یک مانع است و این برادران او هستند که لیلا به طور خاص به آنها اهمیت می‌دهد. اما به نظر من شخصیت اصلی، خانواده و هسته خانواده است و سوژه فیلم پیدا کردن کار است.

به نظر من چشمگیرترین سکانس فیلم سکانس عروسی است که مانند یک جشن شروع می‌شود و تقریباً مانند یک اعدام در ملاء عام به پایان می‌رسد. در مورد تولید و توسعه این صحنه برایمان بگویید؟

روستایی: «خنده‌دار است، یکی از دوستان پس از دیدن این صحنه به من گفت که این صحنه او را عصبانی کرده است و اگر برادران به عروسی می‌آمدند و کسانی را که با آنها درگیری دارند را می‌کشتند، برایش دردناک بود و اگر فیلم همانجا تمام می‌شد تماشاگران احساس خوبی می‌کردند. من پاسخ دادم که بله بیننده احساس خوبی خواهد داشت اما دیگر منطقی در داستان من وجود نخواهد داشت و در این صورت این سکانس نه در ابتدا و نه در پایان فیلم نقشی ندارد، پیوستگی داستان است که ادامه فیلم را توجیه می‌کند. در ایران تعبیری هست که می‌گویند اگر می‌خواهی یک نفر را زمین بزنی باید از ارتفاع زیاد این کار را انجام دهی تا صدای شکستن استخوانش را متوجه شود. ایده واقعاً این بود که سقوط این شخصیت به جهنم ناگهانی را ببینیم و درست است که همه چیز در این ازدواج دروغ است و فقط ظاهر هستند، اما باید تهی بودن این مراسم را نشان می‌دادیم.

«براران لیلا» و «متری شیش و نیم» جنبه بسیار شکسپیرانه دارند، نسبت شما با تئاتر شکسپیر چیست؟

روستایی: نمایشنامه‌های زیادی از شکسپیر و دیگران خوانده ام، اما چیزی که باعث می‌شود در این فیلم به آن فکر کنید تراژدی است. داستان شخصیت‌های من فوق العاده تراژیک است. این فیلم بازتاب زندگی مردم ایران است که با تورم درگیر هستند. فاجعه این است که طبقه متوسط در حال از بین رفتن است، فقرا فقیرتر می‌شوند و درصد بسیار کمی از جمعیت بسیار ثروتمند می‌شود.

به نظر رسید که روابط میان خواهر و برادرها مشابهتی با برادران و خواهران فیلم «پدرخوانده» ساخته «کاپولا» دارد. آیا به موضوع در هنگام نوشتن فیلمنامه فکر کرده اید؟

من عاشق «پدرخوانده» هستم و یکی از فیلم‌های مورد علاقه من است، اما درباره روابط خواهر و برادر به آن فکر نکرده بودم. از طرفی سکانش دارم که مستقیماً به پایان قسمت نخست «پدرخوانده» اشاره دارد. این صحنه تغییر لباس از سیاه به سفید است و من واقعاً سعی کردم در تدوین، در صحنه‌پردازی، اشاره روشنی برای ادای احترام به شاهکار «کاپولا» داشته باشم.

فیلمبرداری این فیلم کجا انجام شده است؟ خانه قدیمی در فیلم، استودیو بود؟

«در واقع دو خانه کوچک بود که در یک محله فقیرنشین در جنوب تهران پیدا کرده بودیم و سعی کردیم این دو را با هم ترکیب کنیم تا یک خانه بسازیم، یک لوکیشن فیلمبرداری ۹۰ متری. بنابراین در واقع نحوه کار ما روی صحنه، با تمام نورها و غیره، ممکن است شبیه یک استودیو باشد، اما این یک لوکیشن واقعی است. ما تغییرات زیادی ایجاد کردیم، حتی ستون‌هایی را خریدیم تا آن‌طور که می‌خواهیم فضا را ایجاد کنیم. اکنون پس از پایان فیلمبرداری، مالکان محل را برای ساختن یک ساختمان ۷ طبقه تخریب کرده اند.

از خشونت و عصبیت شخصیت لیلا و قاچاقچی در فیلم بسیار متأثر شدم، این شخصیت‌ها برای من نقطه مشترکی دارند که در واقع مبارزه با

سرنوشتی است که برخلاف خواسته آنها پیش رفته است. شما هم مثل این شخصیت ها سینما را مثل مبارزه می دانید؟

سینما برای من زندگی است و زندگی نیز در نهایت یک مبارزه است. کسی را نمی‌شناسم که از داشته های خود کاملاً راضی باشد. همه می خواهند اوضاع بهتر شود.

در فیلم «متری شیش و نیم»، دو بازیگر اصلی نقش یک پلیس و یک قاچاقچی مواد مخدر را بازی کردند. در این فیلم آنها با هم برادر هستند که با حفظ تنش، پویایی کاملاً متفاوتی بین دیالوگ‌های دیده می‌شود. آیا این چیزی است که می‌خواستید بعد از فیلم قبلی‌تان با آنها بر این روال کار کنید؟

در زمان نوشتن به بازیگران فکر می‌کنم و این به خاطر بازی در فیلم قبلی من نیست که آنها را بکار بگیرم، حتی اگر با نوید و پیمان خیلی دوست باشیم. با این وجود، بازیگران واقعاً در هنگام نوشتن در ناخودآگاهم خودشان را به من تحمیل می‌کنند.

در چند سکانس خانواده را در حال تماشای تلویزیون می‌بینیم، به خصوص شبکه‌های خبری که دونالد ترامپ را نشان می‌دهد و همچنین آنها را در حال تماشای مسابقات کشتی کج زیادی می‌بینیم. در مورد تأثیر فرهنگ آمریکا در ایران برایمان بگویید؟

تا آنجا که به فرهنگ آمریکایی مربوط می‌شود، من جایی در جهان را نمی‌شناسم که تأثیری نگرفته باشد. در طرف مقابل آنچه مهم است این است که ما شاهد تقابل بین خیر و شر هستیم، آیا آنچه که آنها تماشا می‌کنند واقعاً اتفاق می‌افتد، آیا صحنه سازی است؟ این یک لایت موتیف (الگوی تکرار شونده) است که در طول فیلم خواهیم دید، آیا واقعاً این پدر تمام پول خود را صرف خرید هدایایی برای این عروسی می‌کند؟ همینطور آیا این مراسم یک صحنه سازی پنهان نیست؟ بنابراین این واقعیت که آنها کشتی کج را تماشا می‌کنند به نوعی نماد همه اینها است.